

Subject: One Bullet Argument: Constitutional Assembly of Iran

April 11, 2026

Mr. President,

There is one clear, decisive argument you can carry into negotiations with the Iranian delegation—an argument grounded not in theory, but in the expressed will of the Iranian people inside Iran:

They seek the formation of a Constitutional Assembly and the revision of the Constitution of the Islamic Republic.

Even if Iranian negotiators agree to all fifteen of your proposed points and sign an agreement, it will not be binding unless it is approved by the Supreme Leader (Vali-e Faqih). At present, this authority is in legal limbo. The previous Supreme Leader has passed, and no successor has been constitutionally established. Any temporary or informal authority—even a familial successor—lacks legitimacy under the existing constitution.

Therefore, no agreement reached under these conditions can be considered stable, lawful, or durable.

More fundamentally, there can be no genuine and lasting agreement without constitutional change. As I have previously written, key provisions of Iran's Constitution—including its preamble and Articles 11, 14, 57, 60, 144, 141, and 154—embed ideological commitments that institutionalize hostility toward the United States and its allies.

At the same time, protests inside Iran are primarily directed at different provisions—especially Articles 5, 57, and 100—which establish and empower the doctrine of Velayat-e Faqih. These reflect the internal demand for sovereignty, accountability, and the limitation of absolute clerical authority.

This creates a rare and historic convergence:

The United States seeks an end to constitutionally embedded hostility, while the Iranian people seek structural reform of governance. The solution that satisfies both is a Constitutional Assembly.

Some constitutional scholars argue that the United States has no standing to call for constitutional change in Iran. Under normal circumstances, that argument would hold. However, when a constitution explicitly mandates hostility, supports forces in conflict with the United States, and directs national institutions toward those ends, it becomes a matter of legitimate concern for U.S. national security.

Mr. President,

My purpose is not to prescribe policy, but to urge your advisors to closely examine the Constitution of the Islamic Republic of Iran. From that examination, the strategic path will become clear.

The final decision, of course, is yours.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

موضوع: یک استدلال تعیین‌کننده: مجلس مؤسسان قانون اساسی ایران

یازدهم آوریل 2026

آقای رئیس جمهور،

یک استدلال روشن و تعیین‌کننده وجود دارد که می‌توانید در مذاکرات با هیئت ایرانی مطرح کنید — استدلالی که نه بر ثنوری، بلکه بر خواست واقعی مردم ایران در داخل کشور استوار است:

مردم خواهان تشکیل «مجلس مؤسسان» و بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی هستند.

حتی اگر مذاکره‌کنندگان ایرانی با تمام پانزده بند پیشنهادی شما موافقت کرده و آن را امضا کنند، این توافق تا زمانی که به تأیید «ولی فقیه» نرسد، الزام آور نخواهد بود. در حال حاضر، این جایگاه در وضعیت خلأ حقوقی قرار دارد. رهبر قبلی در گذشته است و جانشین او نیز طبق قانون اساسی به صورت رسمی و قانونی تعیین نشده است. هرگونه مرجع موقت یا غیررسمی — حتی اگر از درون خانواده رهبر پیشین باشد — فاقد مشروعیت قانونی بر اساس قانون اساسی فعلی است.

بنابراین، هیچ توافقی در چنین شرایطی نمی‌تواند پایدار، قانونی یا قابل اتکا باشد.

از سوی دیگر، بدون تغییر قانون اساسی، اساساً امکان دستیابی به یک توافق واقعی و ماندگار وجود ندارد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کرده‌ام، بخش‌هایی از قانون اساسی ایران — از جمله مقدمه و اصول ۱۱، ۱۴، ۵۷، ۶۰، ۱۴۴، ۱۴۱ و ۱۵۴ — حاوی تعهدات ایدئولوژیکی هستند که عملاً خصومت با ایالات متحده و متحدانش را نهادینه کرده‌اند.

در عین حال، اعتراضات داخل ایران عمدتاً متوجه اصول دیگری است — به‌ویژه اصول ۵، ۵۷ و ۱۰۰ — که به «ولایت فقیه» و اختیارات آن می‌پردازند. این اعتراضات بیانگر مطالبه داخلی برای حاکمیت مردم، پاسخگویی و محدود کردن قدرت مطلقه است.

این وضعیت یک هم‌زمانی کم‌نظیر و تاریخی ایجاد کرده است:

ایالات متحده خواهان پایان دادن به خصومت نهادینه شده در قانون اساسی است، و مردم ایران خواهان اصلاح ساختار حکمرانی هستند. راه حلی که هر دو را تأمین می‌کند، تشکیل مجلس مؤسسان است.

برخی از حقوقدانان معتقدند که ایالات متحده حق ندارد خواستار تغییر قانون اساسی ایران شود. در شرایط عادی، این استدلال قابل قبول است. اما زمانی که یک قانون اساسی به صراحت خصومت را تجویز می‌کند، از نیروهایی که با ایالات متحده در تقابل هستند حمایت می‌کند و نهادهای ملی را در این مسیر هدایت می‌کند، این موضوع به یک نگرانی مشروع در حوزه امنیت ملی ایالات متحده تبدیل می‌شود.

آقای رئیس‌جمهور،

هدف من تعیین سیاست نیست، بلکه توصیه به این است که مشاوران شما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با دقت بررسی کنند. از دل این بررسی، مسیر راهبردی روشن خواهد شد.

تصمیم نهایی، البته، با شماست.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا